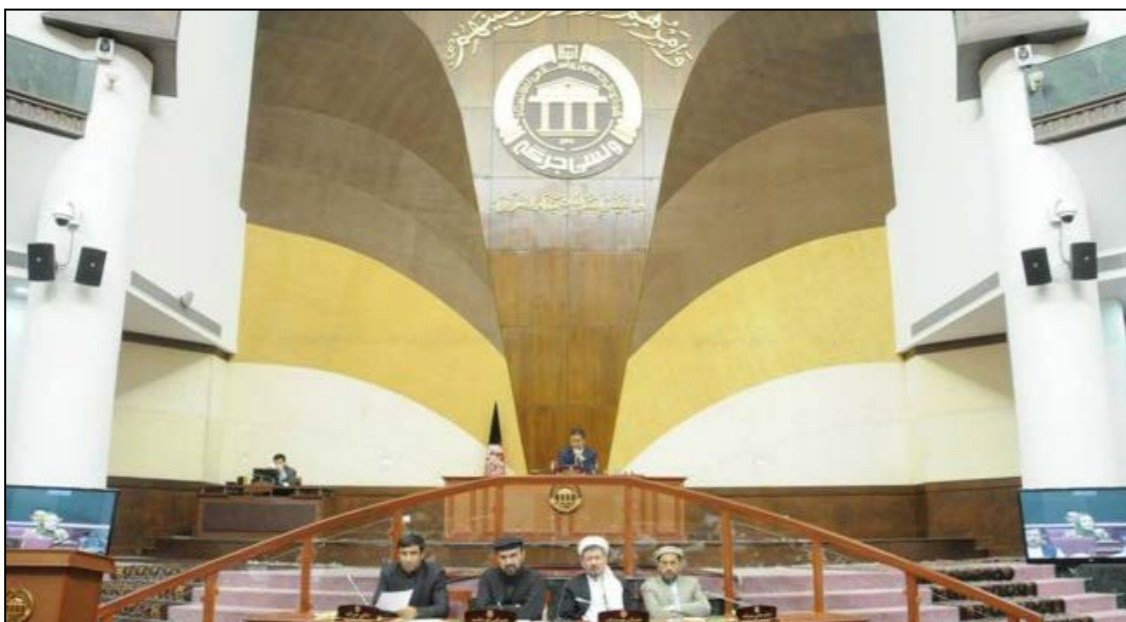


# تاملی بر روند استیضاح و سلب صلاحیت وزیران کابینه

ضیا دانش/استاد دانشگاه ونویسنده



ملاحظات و مصلحت های عمومی در نظر گرفته شود؛ زیرا:

۱- سلب صلاحیت از وزرای فعلی به معنای تن دادن به پدیده سرپرستی از یکسو و تاخیر انجام کارها از سوی دیگر است؛ به این معنا که مدتی طول خواهد کشید تا افراد دیگری برای عضویت در کابینه انتخاب و برای رای اعتماد به پارلمان معرفی شوند که به صورت طبیعی، زمانی به سرپرستی و مدتی برای آگاه و آشنا شدن وزرای جدید با اداره، سپری می گردد که زبان های به کشور و سیستم اداری وارد می سازد.

۲- تکرار دور باطل عدم مصرف بودجه: در صورت تکرار سلب صلاحیت ها، مدت زمانی برای تعیین وزرای جدید و برنامه ریزی و تصمیم گیری آنان خواهد گذشت؛ به صورت طبیعی این زمان باعث کندی مصرف بودجه سال جاری و حتی ممکن، بودجه سال نود نهم شود که بازهم پایین بودن مصرف بودجه انکشافی را تکرار می سازد و یک دور باطل را در کشور خلق می کند.

۳- رعایت عدالت و انصاف در محاکمه: لازم است برای جلوگیری از حق تلفی و پرهیز از محاکمه ناعادلانه، دلایل و اسناد وزارت خانه به شکل دقیق و با صبر و حوصله بررسی و عدالت و انصاف فراموش نگردد.

۴- رعایت عدالت و انصاف در محاکمه: لازم است برای جلوگیری از حق تلفی و پرهیز از محاکمه ناعادلانه، دلایل و اسناد وزارت خانه به شکل دقیق و با صبر و حوصله بررسی و عدالت و انصاف فراموش نگردد.

غیر اختیاری بودن بودجه انکشافی: بخش قابل ملاحظه ای از بودجه های انکشافی غیر اختیاری می باشند و وزرا در مصرف کردن آنها ناگزیر باید نظریات و ملاحظات تمویل کنندگان را در نظر گرفته و در نهایت، موافقت آنان جلب نمایند.

۵- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۶- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۷- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۸- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۹- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۱۰- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۱۱- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۱۲- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۱۳- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

۱۴- امنیت: امنیت از شرایط اساسی و کلیدی کار و فعالیت است و در صورت که امنیت تامین نباشد، داشتن انتظار موفقیت کاری، چندان عادلانه نیست. از سنوی دیگر، در مصرف بودجه های انکشافی، لازم است که توازن و عدالت در انکشاف یکسان در ولایات کشور در نظر گرفته شود، به همین دلیل، تطبیق برنامه های انکشافی در نقاط نا امن-تاخیر در پی خواهد داشت.

## آسیب شناسی فرهنگی

قسمت سوم و پایانی



سازش و انطباق اجتماعی دشوار شود و در نتیجه هماهنگی و سازش میان جنبه های مختلف یک فرهنگ از بین می رود که این خود می تواند شرایط بروز بحران در فرهنگ را فراهم سازد.

بنابرین، در بحث نزدیکی فرهنگ ها، این موضوع که درمان بسیاری از اختلالات نیز در درون همان فرهنگ که بیماری زاینده آن است، امکان پذیر است، بایستی به عنوان یک عامل مهم در آسیب شناسی تغییرات فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که در بیماری جن ذاتی و آل زدگی و بسیاری اختلالات دیگر، درمان های سنتی منبعث از همان فرهنگ، کارآمد است.

شکاف بین نسل ها یکی دیگر از معضلات امروزه جوامع انسانی، مخصوصاً جوامع در حال گذار، مشکل شکاف بین نسل هاست. پدیده ای که اختلالات فردی و اجتماعی فراوانی به همراه آورده است. گرچه، علل پدید آمدن شکاف بین نسل ها متعدد است که بعداً به آن اشاره خواهد شد، اما یکی از عوامل مهم این پدیده که ویژه جهان امروز، مخصوصاً پس از صنعتی شدن جوامع و نفوذ صنعت و فرهنگ صنعتی در کشورهای در حال توسعه است، عامل نظام گسیختگی است.

بنابرین، در بحث نزدیکی فرهنگ ها، این موضوع که درمان بسیاری از اختلالات نیز در درون همان فرهنگ که بیماری زاینده آن است، امکان پذیر است، بایستی به عنوان یک عامل مهم در آسیب شناسی تغییرات فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که در بیماری جن ذاتی و آل زدگی و بسیاری اختلالات دیگر، درمان های سنتی منبعث از همان فرهنگ، کارآمد است.

بنابرین، در بحث نزدیکی فرهنگ ها، این موضوع که درمان بسیاری از اختلالات نیز در درون همان فرهنگ که بیماری زاینده آن است، امکان پذیر است، بایستی به عنوان یک عامل مهم در آسیب شناسی تغییرات فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که در بیماری جن ذاتی و آل زدگی و بسیاری اختلالات دیگر، درمان های سنتی منبعث از همان فرهنگ، کارآمد است.

ویژگی چهارم از خودبیگانگی، انزوای اجتماعی و جامعه گریزی است. این ویژگی اشاره به حالتی دارد که فرد احساس می کند با ارزش ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی شخص احساس تفرق می کند و احساس می کند با کسی یا جمعی ارتباط ندارد. فردی که از خود بر می گردد و از جامعه کناره می گیرد، بدین معناست که اعتقادی به شیوه کارکرد جامعه، روابط حاکم و هدف های خرد و کلان آن ندارد و چون نمی تواند به طور فعال این هدف ها و روابط را رقی کند، با گوشه نشینی و منزوی شدن، خود را از گزند جامعه به حاشیه می کشد و کناره گیری اختیار می کند.

گرچه ممکن است ارتباط مستقیمی بین اختلالات فوق و موضوع تغییرات فرهنگی وجود نداشته باشد، لیکن با عنایت به این که بسیاری از اختلالات روانی تحت نفوذ عوامل فرهنگی قرار دارند، قابل طرح است. نقش فرهنگ و جامعه در بروز بیماری ها به اندازه است که اریک فرام، بیماری انسان را ناشی از اجتماعی می داند و معتقد است، سلامت روان پیش از آن که امری فردی باشد، مسئله ای اجتماعی است. (شولتنس، ۱۳۶۲، ص ۷۶) هم چنین، بنا بر عقیده داویدیسان اغلب اختلالات روانی، مخصوصاً اختلالات شخصیت و اختلالات رفتاری، واکنش های عصبی،

تأیید جامعه نیست. بنا توجه به تعریف بی معیاری و عنایت به این واقعیت که ویژگی اصلی اختلال شخصیت ضد اجتماعی زیر پا گذاشتن معیارهای اجتماعی است و مد نظر قرار دادن این موارد که: الف) بی معیاری بیکی از ویژگی های از خودبیگانگی است. ب) از خودبیگانگی ارتباط نزدیکی با مسخ شخصیت و مسخ واقعیت دارد. ج) مسخ شخصیت و مسخ واقعیت دو اختلال مشتق از مسئله فرهنگ پذیری اند. د) اختلال شخصیت ضد اجتماعی به شدت سعادت و سلامت جامعه را تهدید می کند؛ لازم است در فرایند فرهنگ پذیری و تغییرات فرهنگی از بعد آسیب شناسی روانی آن تأمل و تعمق بیش تری کرد.

بر اساس معیارهای طبقه بندی اختلالات روانی (DSM-4)، اختلال شخصیت اجتماعی عبارت است از: الگوی نافرمانی برای حقوق دیگران و زیر پا نهادن آن که از ۱۵ سالگی شروع و یا سه تا (یا بیش تر) از خصوصیات زیر تظاهر می کند: ناتوانی برای سازگاری با موازین اجتماعی، فریبکاری برای نفع و لذت شخصی، رفتار تکانشی، تحریک پذیری و پرخاشگری، بی احتیاطی نسبت به ایمنی خود و دیگران، عدم احساس مسئولیت مستمر و فقدان احساس پشیمانی و گناه.

در حالت احساس بی قدرتی و ناتوانی، فرد احساس می کند که قادر به تحت تأثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نیست که در توضیح اختلال درماندگی به این موضوع و عوارض آن اشاره شد. در حالت احساس پوچی و بیهودگی، شخص تصور می کند که برای رفتارها و باورهای خود خطوط راهنمایی در اختیار ندارد. در واقع، کسی که دچار پوچی شده، انتظار چندانی از رضایت بخش بودن پیش بینی های رفتاری خود در آینده ندارد. در وضعیت بی معیاری، فرد احساس می کند که برای رسیدن به هدف های ارزنده خود نیاز به وسایل نامشروع دارد، یا کنش هایی او را به حوزه های هدف نزدیک می سازد که مورد

بر بنیاد مواد نود و یکم و نود دوم قانون اساسی، ولسی جرگه افغانستان می تواند براساس پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا، هر یک از وزرای کابینه را استیضاح نماید و در صورت که توضیحات ارائه شده قناعت بخش نباشد، آنها را استیضاح کند؛ اما برای عدم اعتماد باید صریح، مستقیم و براساس دلایل موجه باشد.

نظارت بر عملکرد حکومت بر بنیاد قانون اساسی، از مسئولیت ها و صلاحیت های مجلس نمایندگان است و نظارت موثر، شفاف، عادلانه، منطقی و مبتنی بر عقلانیت، می تواند منجر به بهبود عملکرد ادارات، حسابدایی، شفافیت، افزایش موثریت و مثریت کارها در نهادهای دولتی گردد که نتیجه کلی آن، بهبود وضعیت کشور در بخش های مختلف خواهد بود.

در این میان، قانون اساسی همانگونه که به نمایندگان صلاحیت استیضاح و سلب صلاحیت وزرا را داده است، برای رعایت عدالت و انصاف نیز شرطی گذاشته است که عبارت است «موجه بودن علل استیضاح».

از آنجاییکه موجه بودن، یک شرط عام است، می تواند با توجه به شرایط و محیط کاری، ساختار سازمان و اختیارات عدم اختیارات در مصرف منابع مالی مفید گردد. به تعبیر دیگر: برای موجه بودن دلایل و عوامل استیضاح وزرا، باید به عوامل چون امنیت، ظرفیت و تخصص ادارات، اختیاری و یا عدم اختیاری بودن بودجه، سیستم تدارکات و عامل زمان را در نظر گرفت.

به نظر می رسد که موجه و یا ناموجه بودن تصمیم پارلمان مبنی بر رد صلاحیت از وزرای استیضاح شده را می توان در دو بخش مورد سنجش قرار داد: شرایط و عناصر کاری که موجه بودن و یا ناموجه بودن دلایل استیضاح را محرز می سازد و در نظر گرفتن پیامدهای این چنین رویکردی که عقلائیست تصمیم

## سرمقاله تقابل بدفرجام قوای سه گانه

محمد رضا هویدا

بارد صلاحیت شش وزیر از نه وزیر استیضاح شده، و موضع گیری ریاست جمهوری، تقابل حکومت و پارلمان رسماً آغاز شده و در روزهای اخیر با ادامه روند استیضاح به اوج می رسد. روز گذشته ریاست جمهوری اعلام کرد که کابینه جمهوری اسلامی افغانستان از ستره محکمه تقاضا بعمل آورده تا مسئله استیضاح اعضای کابینه را از جانب ولسی جرگه بر مبنای صراحت قانون اساسی افغانستان شرایط و اوضاع کنونی کشور، بالاخص مشکلات مالی سال ۱۳۹۴ و تعهدات که از جانب جامعه بین المللی به حالت تعلیق و یا لغو قرار داشت، به وضاحت تفسیر نموده از نتیجه به مقام ریاست جمهوری گزارش دهد. و تمام اعضای کابینه، الی فیصله ستره محکمه، در پست های خویش با صلاحیت ها و مسوولیت های مشخص شده در اسناد تقنینی کشور، به وظایف خویش ادامه دهند.

ارجاع چنین موضوعی در تاریخ سیاسی افغانستان بی پیشینه نیست. پیش از این، مجتبی پتنگ وزیر داخله وقت، در سال ۲۰۱۳ از سوی ولسی جرگه استیضاح و رد صلاحیت شد. حامد کرزی، رئیس جمهوری به سلب صلاحیت وزیر داخله واکنش نشان داد و گفت که رای عدم اعتماد به یک وزیر باید «دلایل موجه» داشته باشد. او موضوع را به ستره محکمه فرستاد و پتنگ را به عنوان سرپرست وزارت داخله معرفی نمود. بیشتر از آن نیز در سال ۲۰۰۷، با استیضاح و رد صلاحیت رنگین دادفر سینتا وزیر خارجه آن وقت، رئیس جمهوری، رد صلاحیت رنگین دادفر سینتا را به حیث وزیر خارجه به ستره محکمه افغانستان فرستاد و در نهایت ستره محکمه یک رای مشکوک را تسخیر کرد و آقای سینتا به کار خود ادامه داد.

ریاست جمهوری با ارجاع موضوع به ستره محکمه، دیوار دفاعی محکمی در مقابل پارلمان ساخته است. رای ستره محکمه از دو حال خارج نیست. اول: ستره محکمه به نفع قوه اجرائیه و بر علیه پارلمان رای خواهد داد. گذشته موضوع آن چنان که گفته آمد، نشان می دهد که ریاست جمهوری از اینکه قوه قضائیه به نفع قوه مجریه حکم خواهد کرد، مطمئن است. در غیر این صورت، ریاست جمهوری به خاطر یک احتمال هرگز به قوه قضائیه رجوع نمی کند. دوم: قوه قضائیه به نفع پارلمان رای داده و مهر تأیید بر سلب صلاحیت وزرای رد شده خواهد زد. چنین امری با توجه به حوادث گذشته و آنچه اکنون به نظر می رسد، بسیار بعید است.

به هر صورت، پارلمان در حال حاضر مجبور است، روند استیضاح وزرا را به پایان برساند. اعضای پارلمان و دولت وارد یک دوئل خطرناک شده اند. این بازی، بازی باخت - باخت است. حکومت با اعلان ادامه کار وزرا بر خشم وکلای پارلمان خواهد افزود. وکلای پارلمان نیز خود را مجبور می دانند تا حکم (احتمالی) ستره محکمه مبنی بر ادامه کار وزرای سلب صلاحیت شده را غیر قانونی بدانند. در نتیجه وزرای سلب صلاحیت شده به کارشان ادامه خواهند داد، در حالی که به نظر پارلمان کار آنها غیر قانونی است. این روند هر سه قوه را درگیر خواهد کرد.

در ادامه این بازی، قوه مجریه نیز احتمالاً به اقدامات تلافی جویانه ای دست خواهد زد. پارلمان ماه ها است که با مشکل عدم مشروعیت مواجه است. (حتا شماری از نمایندگان پارلمان که اکنون حضور دارند، مدتی خروج شان را از پارلمان به دلیل پایان وقت قانونی کار پارلمان، اعلام کرده بودند). این موضوع و موضوعات دیگر دستاویزی برای ضربه زدن به سنگر پارلمان است.

اما، این مناقشه و جدال که بر سر مصرف بودن بودجه انکشافی وزارت خانه در گرفت، به بیراهه رفته و نه تنها بحث بودجه فراموش شده است، بلکه با وارد شدن قوای سه گانه در یک جدال بدفرجام، ضربات سنگینی بر اقتصاد کشور وارد خواهد شد. بیشترین ضرر به مردم و دولت افغانستان در کل وارد خواهد شد. اقتصاد ضعیف و متکی به کمک های خارجی کشور با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد، چهره افغانستان که با فساد اداری و نزاع های داخلی مکرر است بیشتر تخریب می گردد، و روند کلی کار دولت با مشکلات عملی مواجه خواهد شد. در مقابل، نیروهای مخالف پشت و پیش پرده با اتمام از وضعیت به تشدید حملات مرئی و نامرئی خود خواهند افزود. راه حل این بحران پرگشتت به عقلائیست سیاسی، اصل گفتگو و ایجاد فضای گرم بحث و تبادل نظر و دوری از هر نوع تشنج است.



روزنامه افغانستان با The Daily Afghanistan Ma  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده  
دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسوول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۴۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.  
www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com